وجود دو قاری به نام عاصم

شاگرد: دو نکته از بحث دیروز هست، اگر اشکالی ندارد عرض کنم. یکی اینکه عاصمی که گفتید عاصم جحدری است. نکته دیگر در مورد ابو موسی اشعری فرمودید که جزء قراء هست ای نه. هم در طبقات القراء و هم در کتاب معرفة القراء ذهبی از او نام میبرند. برای او شاگرد هم گفتهاند. در مدینه می نشستهٔ و پنج نفر پنج نفر اقراء میکردهٔ.

استاد: تذکری که فرمودهاند را میخواستم عرض کنم. عاصم قاری معروف کوفی است. یک عاصم جحدری هم داریم که برای بصره است. در مفاتح الکرامه که دو عاصم ذکر کرده بود، بله دو نفر هستند. یکی هم در مورد ابو موسی اشعری است که من گفتم ندیدم که شاگرد داشته باشد. در جاهای دیگر هم عرض کردهام.

هر بحثی که در ذهن شما هست ملکه ذهنتان باشد که به مرجع آن مراجعه کنید. این خیلی خوب است. این ملکه شدن کار میبرد. وقتی آدم مشغول باشد نمی فهمد که چطور شد. ملکه مراجعه به مرجع منا سب؛ اینها کمالات مثل من طلبه است که عرض میکنم. تا کتابی مطرح میشود حالا بعد از سالها این کار شده ای نه! و الا میگوییم این کتاب کجا است؟ برویم ببینیم نویسنده اش چه کسی است؟ چه سالی است؟ تا کتاب مطرح میشود در اول کار باید ذهن ما سراغ الذریعه برود. این باید ملکه شود. کسی که مرجع شناسی در ذهنش هست، اول به اینجا میرود. کسی که میخواهد ببیند کیست، باید اول به اعیان الشیعه برود. چون مرجع تراجم و مرجع کتب هستند. اینها مرجع هستند. این ملکه رجوع به مرجع است.

بازبینی #2
ایجاد شده 6 آوریل 2024 12:45:28 توسط ... .
به روزرسانی شده 16 مه 2024 12:51:45 توسط ... .